

## عروج و افول سندیکالیسم انقلابی

سه شنبه پنجم آذر ۱۳۸۷

مارسل فان درلیندن- وینه تورپه- برگردان: ناصر پیشرو

### بخش نخست\*

"برای فعالین این جنبش، طبقه کارگر نیروی تغییر دهنده، اقتصاد میدان نبرد طبیعی، عمل مستقیم سلاح واقعی و تشکل های کارگری، مکانی برای همبستگی، هماهنگی و به خدمت گیری نیروی مشترک و انقلابی کارگران بود. تاکید بر مبارزه طبقاتی، اهداف انقلابی، حق تقدم و استقلال تشکل های کارگری، دفاع از عمل مستقیم و همچنین کنترل کارگران بر یک اقتصاد اشتراکی، ویژه گی های واقعی و کم و بیش مشترک همه سازمان هایی است که در این نوشتار مورد بحث قرار می گیرند"

\*\*\*\*\*

سندیکالیسم انقلابی - به مفهوم گسترده ای که ما در نظر داریم- (۱) بیشتر از سایر جریانات سازمان یافته جنبش کارگری به دیدگاه قدرت انقلابی، خلاقیت مستقل کارگران، پافشاری برحق خودگردانی جمعی و نیروی کارگران برای اینکه بتوانند مستقلا امور خود را تنظیم کنند، باور داشت. این جریان هرگز نتوانست از موضع اقلیت فراتر رود و از جریان مسلط سوسیال دموکراسی در جنبش کارگری پیشی گیرد اما با این وجود بیان ویژه ای بود برای آموزه هایی مشخصی که کارگران از تجربه های خود در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم با تاسیس سازمان های سندیکایی در بسیاری از نقاط جهان بجای گذاشتند. سندیکالیسم انقلابی با همه تفاوت های محلی و ملی جنبشی بین المللی بود.

این نوشتار تلاش می کند، با کمک مقایسه سازمان های این جنبش در دوازده کشور- که در شمای ضمیمه ترسیم شده است- تحلیلی ارائه دهد از عواملی که در عروج و افول سندیکالیسم انقلابی موثر واقع بوده اند. (۲)

سازمان ها و جنبش های جنبش سندیکالیسم انقلابی، ویژگی های مشترک بسیاری داشتند. فعالین آن ها موضع مبارزه طبقاتی را نمایندگی کرده و معرف اهداف انقلابی بودند. برای آن ها منافع متضاد طبقاتی وحدت ناپذیر و مبارزه طبقاتی در این راه اجتناب ناپذیر بود. هدف سازمان های سندیکالیسم انقلابی در کوتاه مدت، تلاش برای بهبودی وضعیت کارگران در چهارچوب سیستم موجود و در بلند مدت درهم شکستن سرمایه داری و برقراری نظامی بود که کارگران، گرداننده مالکیت اشتراکی وسایل تولید باشند.

سندیکالیست های انقلابی عمل جمعی و مستقیم کارگران را برای دستیابی به اهداف کوتاه و بلند مدت، موثرترین وسیله می دانستند و برآن تاکید خاصی داشتند. این حربه مقدماتا علیه کارفرمایان درصاف اول جبهه مبارزه طبقاتی و عموما بر علیه تمامیت سیستم سیاسی- اجتماعی که از اقتصاد سرمایه داری حمایت می کرد به کار گرفته شد. تاکید خاص آن ها بر سازماندهی کارگران در محل تولید و ویژگی های آنان به عنوان کارگربود و بدین وسیله اتحادیه ها به مهم ترین ابزار برای دستیابی به اهداف کوتاه و بلند مدت تبدیل میشوند. برای فعالین این جنبش، طبقه کارگر، نیروی

تغییردهنده، اقتصاد، میدان نبرد طبیعی، عمل مستقیم، سلاح واقعی و تشکل های کارگری، مکانی برای همبستگی، هماهنگی، و به خدمت گیری نیروی مشترک و انقلابی کارگران بود. تاکید بر مبارزه طبقاتی، اهداف انقلابی، حق تقدم و استقلال تشکل های کارگری، دفاع از عمل مستقیم و همچنین کنترل کارگران بر یک اقتصاد اشتراکی، اینها ویژگی های واقعی و کم و بیش مشترک همه سازمان هایی است که در این نوشتار مورد بحث قرار می گیرند.

واژه سندیکالیسم بطور معمول و بدون صفت "انقلابی" در زبان انگلیسی و در اغلب زبان های دیگر، ( بجز فرانسه) این صفت را در برمی گیرد. در این نوشتار (سندیکالیسم) نشان دهنده جنبش کارگری یا یک ایدئولوژی است که ویژگی های اساسی فوق را داشته باشند.\*

سازمان های مختلف جنبش سندیکالیسم انقلابی از نظر ساختار درونی تفاوت های زیادی داشتند. برخی از تشکل ها، همانند "اتحاد کارگران آلمانی" و بعضی سندیکالیست های روسی به شدت غیرمتمرکز بودند و برخی نیز همانند "کارگران صنعتی جهان" در آمریکا، برعکس ساختاری متمرکز داشت که در آن مهمترین اتحادیه های صنعتی، متحد شده بودند. (۳) "اتحادیه کارگران صنعتی جهان" در آمریکا مدعی بود که انقلابی تر از سندیکاهای اروپایی است و اضافه می کرد که اعضای کارگران صنعتی جهان که گاهی وب لیس نامیده می شدند، در عرصه بین المللی بیش از هر سازمان دیگری با سازمان های سندیکالیسم انقلابی در اروپا، رابطه "تنگاتنگ و دوستانه تری" دارند. (۴)

دوگانگی بین "متمرکز" و "غیر متمرکز" در ساختار سازمان های این جنبش، دستکم به دو دلیل می تواند همراه کننده باشد. نخست آنکه باید توجه داشت که در سازمان متمرکزی همانند کارگران صنعتی جهان تمرکزگرایان و عدم تمرکزگرایان همچنان با یکدیگر رقابت می کردند. و دیگر آنکه سندیکالیست های اروپایی علیرغم فدرال بودن یک شکل سراسری از سازمان صنعتی را انتخاب کرده بودند.

سندیکالیسم انقلابی ابتدا در فرانسه تکامل یافت، یعنی در جایی که انتظار نمی رفت. اتحادیه ها بدون آنکه استقلال خود را از دست بدهند، توانستند در اتحادیه هایی که مشاغل مختلف را در سطح محلی و منطقه ای متحد می کنند و یا در اتحادیه های فراگیر یک شاخه صنعتی وارد بشوند و در یکی از دو بخش سازمان ملی س. ژ. ب. شرکت داشته باشند. در سپتامبر ۱۹۱۳ در کنگره اول بین الملل سندیکایی در لندن از سندیکاهای صنعتی حمایت شد. در سال های ۱۹۱۸-۱۹۱۹ ت. ان. ت. اسپانیایی، هم گامی به این سو برداشته و در این راستا اتحاد سندیکاها را رهبری کرد. در سال ۱۹۲۷ ا. ف. ا. یو. دی در آلمان نیز - هر چند به اکراه - حمایت خود را از تشکیل سازمان متحدی از سندیکاهای صنعتی بجای اتحادیه های شغلی اعلام داشت. در کانادا با آنکه رهبری سندیکای "او. بی. یو" اتحادیه های صنعتی را با "یک اتحادیه بزرگ تریدیونیست" مقایسه کرده و رد می کردند، اتحادیه های صنعتی از طرف بسیاری از اعضا موسس "او. بی. یو" مورد حمایت قرار گرفت. در هر صورت سندیکالیست های انقلابی اعم از تمرکزگرا یا فدرالیست، طرفدار اتحادیه صنعتی و یا غیر از آن، آشکارا در جستجوی نوعی از سازمان های کارگری بودند که اثر بخشی فعالیت کارگران را تضمین کند، بدون آنکه رابطه تنگاتنگ با کارگران را از دست بدهد.

آیا برنامه سندیکالیسم انقلابی که تاکید خاصی بر عمل مستقیم کارگران داشت، فعالیت های سیاسی را رد می کرد؟ بهترین پاسخ به این پرسش، درک رابطه بین هدف و راه است. هدف نهایی سندیکالیست ها مطمئنا سیاسی بود. یعنی لغو اقتصاد و نظام اجتماعی سرمایه داری و تحقق یک ساختار اجتماعی و اشتراکی بر پایه اتحادیه های کارگری و

انتقال تصمیم‌گیری و اداره به تولیدکنندگان.

در رابطه با راهی که باید به این هدف منجر شود، سندیکالیست‌ها عمل مستقیم کارگران را در صدر قرار می‌دادند. خیلی از آن‌ها مخالف احزاب سیاسی ای بودند که بجای کارگران سخن می‌گفتند اما در درجه اول هدفشان بسیج رای دهندگان به پای صندوق‌های رای بود و منافع سیاسی اجتماعی محض و سازش‌های مطابق آن را دنبال می‌کردند. نمونه مستند آن، انتخاب لئون ژوتو برای هیئت دبیری س.ژ.ت بود که در یک کنفرانس بین‌المللی در برابر رهبران اتحادیه‌های کشورهای دیگر با پیشنهاد سوسیال‌دموکراسی گفته بود: "برای شما سازمان سیاسی یک کشتی بزرگ و سازمان‌های اقتصادی فقط قایق‌های کوچکی هستند که به دنبال آن کشیده می‌شوند. برای ما سازمان‌های کارگری کشتی بزرگی است که باید فعالیت‌های سیاسی تابع آن باشد." (۵)

سندیکالیست‌های انقلابی در مناسبات واقعی با احزاب سیاسی رفتاری کاملاً متفاوت داشتند. ژ.ت در منشور فون امین (سال ۱۹۰۷) از نظر سیاسی بی‌طرفی اعلام کرد. منشور اما از احزاب سیاسی خواست که مستقل از ژ.ت برای تغییرات اجتماعی تلاش کنند و برای اعضا این آزادی را قائل می‌شد که مستقل از اتحادیه، مطابق اعتقاد سیاسی خود عمل کنند البته منشور توصیه می‌کرد، که اختلاف عقیده سیاسی تا حد امکان محدود شود و اتحادیه‌ها صرفاً بر اختلافات اقتصادی متمرکز شوند. اکثریت عمده هیئت نمایندگی ژ.ت، همراه با کسانی که از نظر سیاسی سوسیالیست محسوب می‌شدند، توافقات منشور را پذیرفتند. در عمل اما خط شفاف و روشنی وجود نداشت. آیا امکان داشت که آزادی اعضا در اقدام سیاسی خارج از چارچوب اتحادیه را به نمایندگان رسمی ژ.ت که خود را از نظر سیاسی بی‌طرف اعلام کرده بود، نیز تعمیم داد؟

برخی از کارگزاران سوسیالیست ژ.ت برای نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند. در سال ۱۹۱۱ یک تغییر قدرت، در ژ.ت کارگزاران را از قبول منصب سیاسی منع کرد. نوشته‌های س.ژ.ت و موضع‌گیری‌های برخی از کارگزاران بالای آن اغلب انتقادی‌تر و سرزنش‌آمیزتر از آن بود که بی‌طرفی اعلام شده آن را مجاز می‌دانست.

اما مخالفت با احزاب سیاسی را نباید ویژگی ذاتی سندیکالیسم انقلابی دانست. خیلی از سندیکالیست‌ها فعالیت "سیاسی" را نفی می‌کردند چرا که به نظر آن‌ها انتخابات و سیاست پارلمانی به بن بست منتهی می‌شد. فرانک لیتنه یکی از سازمان‌دهندگان و درعین حال یکی از بخون‌تپیدگان اتحادیه کارگران صنعتی جهان این نظر را داشت که: "کارگران هرگز نمی‌توانند از طریق احزابی که صرفاً برای کاغذ پاره‌های انتخاباتی تلاش می‌کنند، به اهداف خود دست یابند." او تأکید داشت که "تا زمانی‌که ما فقط به انداختن تکه کاغذی در صندوق انتخابات سرمایه‌داری بسنده می‌کنیم، موفق نخواهیم شد" (۶) برخی از سوسیالیست‌های فعال سیاسی با این نظر توافق داشتند. چالزک عضو حزب سوسیالیست و گراننده نشریه "انترناسیونال سوسیالیست ریویو" که در شیکاگو منتشر می‌شد، تأکید داشت که: "ما برای فرارفتن از سرمایه‌داری به چیزی بیشتر از یک برگه انتخاباتی نیاز داریم و آن چیز بیشتر اتحادیه‌های انقلابی است." (۷)

کوتاه این که همکاری میان سندیکالیست‌ها و سوسیالیست‌های سیاسی و احزابی که پارلمانتاریسم را نفی می‌کردند، کم‌رنگ نبود. در میان رهبران فعال اتحادیه "ای.بی.یو" در کانادا، اعضای از حزب سوسیالیست وجود داشتند که مستقیماً بر علیه سیاست‌هایی که بوسیله مبارزه انتخاباتی دیکته می‌شد، فعال بودند. بعد از جنگ جهانی اول در آلمان، سازمان‌های سندیکالیسم انقلابی آماده بودند که با احزاب اولترا چپ که پارلمانتاریسم را رد می‌کردند،

همکاری کنند. پس از تشکیل بین الملل کمونیست تقریباً همه جا سندیکالیست ها با شور و شوق زیادی از آن حمایت می کردند البته تا زمانی که برای آن ها اصرار کمینترن بر پارلمانتاریسم و تابعیت اتحادیه های انقلابی از احزاب کمونیست روشن نشده بود. یعنی چیزی که برای بسیاری از آنان به گسست از مسکو منجر شد.

شمای زیر به روشنی نشان می دهد که سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰ دوره برآمد و افول جنبش سندیکالیسم انقلابی در مقیاس جهانی است. البته تشکل های مهم دیگری نیز به این جنبش تعلق دارند که در اینجا مورد بحث قرار نمی گیرند. همانند: فدراسیون رژیونال در اروگوئه، اتحادیه کارگران صنعتی شیلی، اپوزیسیون سندیکایی نروژ، کنفدراسیون سراسری آنارکوسندیکالیسم در روسیه و وب لی های استرالیا. بعلاوه از شمای زیر می توان دریافت که سندیکالیسم انقلابی قبل و بعد از جنگ جهانی اول یعنی بین سال های ۱۹۱۰ تا اوایل سال ۱۹۲۱ جنبشی نیرومند و زنده بود و فقط در اسپانیا و سوئد در سال های بعد به اوج خود رسید.

### عروج و افول سازمان های سندیکالیسم انقلابی

وضعیت بعدی سازمان های جنبش سندیکالیسم انقلابی	سال های اوج (۱)	سال تاسیس	سازمان های جنبش سندیکالیسم انقلابی در کشور مورد نظر
پس از اشغال نازی ها در سال ۱۹۴۰ منحل شد	بطور تقریبی سال ۱۹۲۰	۱۸۹۳	Nationaal Arbeids Secretariaat (NAS, Nederlande) آن. آ. اس (دبیرخانه ملی کار در هلند)
از سال ۱۹۱۴ مدت ها بود که دیگر به جنبش سندیکالیسم انقلابی تعلق نداشت	۱۹۰۹-۱۰	۱۹۰۲ (۲)	Confédération Générale du Travail (CGT, Frankreich) ت. ژ. ت فرانسه
حاشیه ای شده	۱۹۱۶-۱۷	۱۹۰۵	Industrial Workers of the World (IWW, USA) اتحادیه کارگران صنعتی (آمریکا)
حاشیه ای شد و از ۱۹۵۴ با دولت همکاری داشت	۱۹۲۴-۳۴	۱۹۱۰	Sveriges Arbetares Centralorganisation (SAC, Schweden) سوئد
بخش عمده آن نهادینه نشد	۱۹۱۰-۱۴	۱۹۱۰	«Labour unrest» (Großbritannien) بریتانیا

Confederación Nacional des Trabajo (CNT, Spanien) اسپانیا	1911	1936-37	توسط رژیم فرانکو سرکوب و سپس حاشیه ای شده و انشعاب داد.
Unione Sindacale Italiana (USI, Italien) ایتالیا	1912	ca. 1920	توسط فاشیسم منحل شد
Casa del Obrero Mundial (Mexiko) مکزیک	1914	1914-16	ابتدا سرکوب و سپس منزوی شد.
Federación Obrera Regional Argentina (FORA IX, Argentinien) آرژانتین	1914	1915-20	در سال ۱۹۲۲ توسط اتحادیه سندیکاهای این کشور جذب شد.
One Big Union (OBU, Canada) کانادا	1919	1919-20	سال ۱۹۵۶ حاشیه ای شده و توسط AllCanadianCongress of Labour جذب شد
Confederacao General do Trabalho CGT, پرتغال	1919	1919-20	توسط رژیم سالازار zalasar سرکوب شد
Arbeiterunionen (Deutschland) اتحاد کارگران آلمان (۳)	1920-24	1922-24	حاشیه ای شده و توسط نازی هاسرکوب و از هم پاشیده شد

- ۱- گردانندگان سازمان های جنبش سندیکالیسم انقلابی به مساله حق عضویت توجه چندانی نداشته و بسیاری از کارگران، بدون آنکه حق عضویت بپردازند، عضو سندیکا محسوب می شدند. با این حال ما برای سنجش سال های اوج ، تعداد اعضا را بعنوان معیار قابل اعتماد در نظر گرفتیم.
- ۲ - متذکر می شویم که سال تاسیس واقعی ت.ژ.ت ۱۸۹۵ است.
- ۳- اتحاد آزاد سندیکاهای آلمان که در سال ۱۸۹۷ تاسیس شده بود قبل از سال ۱۹۱۴ به این جنبش تعلق داشت.

\*- متن فوق بخش اول ترجمه نوشتاری است که ویژگی های مشترک - جنبش سندیکالیسم انقلابی- را در فاصله دو دهه اول قرن بیستم مورد بررسی قرار می دهد. ادامه ترجمه در دو بخش دیگر در آینده نزدیک در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.  
منبع مترجم نشریه زیر است:

1999. Zeitschrift für Sozialgeschichte des 20. und 21. Jahrhunderts, 5. Jg., Juli 1990, Heft 3, S. 9-38

\*با در نظر داشتن برداشت رایج از سندیکا و سندیکالیسم در زبان فارسی، در متن ترجمه، اغلب واژه "سندیکالیسم" همراه صفت "انقلابی" است تا مفهوم جنبش معین مورد نظر نویسندگان- سندیکالیسم انقلابی - بهتر بیان شود.

۱- این نوشتار، پیش گفتار بازنگری شده مارسل فان درلیندن و وینه تورپه بر کتاب "سندیکالیسم انقلابی در چشم انداز بین المللی" است.

۲- جنبش های انقلابی با طرح عمل مستقیم که در این نوشته مورد بحث قرار گرفته اند، می توانند با عنوان های مختلف نظیر: "صنعت گرای انقلابی"، "جنبش اتحادیه های انقلابی"، "انارکوسندیکالیسم"، "جنبش شورایی" و "یا"یک اتحادیه بزرگ "On big Unionism" مشخص شوند. برای ما روشن است که "سندیکالیسم انقلابی" یکی از انواع آن ها بشمار می رود. اما "سندیکالیسم" برعکس گاهی تمام سازمان های انقلابی با عمل مستقیم را در بر می گیرد. ما در اینجا همین معنا را بکار می بریم. تا کنون پژوهش های بیشماری در باره جنبش ها و سازمان های سندیکایی انتشار یافته که بهترین های آن عبارتند از:

*Niederlande:* Erik Hansen/Peter A. Prosper Jr., The Nationaal Arbeids-Secretariaat. Revolutionary Syndicalism in the Netherlands, 1892-1914, in: Societas: A Review of Social History, Vol. VII, No. 2 (Frühling 1977), und »The Nationaal Arbeids-Secretariaat between the Wars. Revolutionary Syndicalism in the Netherlands, 1919-1940«, in: Histoire Sociale/Social History, No. 27, Mai 1981.

*Frankreich:* Jacques Julliard, Fernand Pelloutier et les origines du syndicalisme d'action directe, Paris 1971; F.F. Ridley, Revolutionary Syndicalism in France, Cambridge 1970; Peter Stearns, Revolutionary Syndicalism and French Labor: A Cause without Rebels, New Brunswick 1971; und Barbara Mitchell, The Practical Revolutionaries. A New Interpretation of the French Anarchosyndicalists, New York 1987.

*USA:* Melvyn Dubofsky, We Shall Be All: A History of the Industrial Workers of the World, second ed., Urbana/Chicago 1988; Joseph R. Conlin, Bread and Roses Too: Studies of the Wobblies, Westport 1970; Joseph R. Collins, ed., At the Point of Production: The Local History of the IWW, Westport 1981.

*Schweden:* Lennart K. Persson, Syndikalismen i Sverige 1903-1923, Stockholm 1975.

*Großbritannien:* Bob Holton, British Syndicalism, 1900-1915, London 1975.

*Spanien:* Xavier Caudrat, Socialismo y anarquismo in Cataluña. 1899-1911: Los origines de la CNT, Madrid 1976; Antonio Bar, La CNT en los años rojos: Del sindicalismo revolucionario al anarcosindicalismo, 1910-1926, Madrid, 1981; Gerald H. Meaker, The Revolutionary Left in Spain, 1914-1923, Stanford 1974; John Brademas, Anarcosindicalismo y revolución en España, 1930-1937, Barcelona 1974; und Antonio Elorza, La utopia anarquista bajo la Segunda Republica, Madrid 1974.

*Italien:* Andreina Di Clementi, Politica e società nel sindacalismo rivoluzionario in Italia e la lotta politica nel partito socialista dell' età giolittiana, Bari 1976; und Armando Borghi, Mezzo secolo di anarchia, 1890-1945, Napoli 1954.

*Argentinien:* Isaac Oved, El anarquismo y el movimiento obrero en Argentina, Mexiko 1978; Ruth Thompson, The Limitations of Ideology in the Early Argentine Labour Movement: Anarchism in the Trade Unions, 1890-1920, in: Journal of Latin American Studies, No. 16, 1984.

*Mexiko:* John M. Hart, Anarchism and the Mexican Working Class, 1860-1931, Austin 1978.

*Kanada:* David J. Bercuson, Fools and Wise Men: The Rise and Fall of the One Big Union, Toronto 1978.

*Portugal:* Peter Merten, Anarchismus und Arbeiterkampf in Portugal, Hamburg 1980; Edgar Rodrigues, Os Anarquistas e os Sindicatos: Portugal, 1911-22, Lissabon 1981; und Edgar Rodrigues, A Resistência anarco-sindicalista à Ditadura, 1922-1939, Lissabon 1981.

*Deutschland:* Dirk H. Müller, Gewerkschaftliche Versammlungsdemokratie und Arbeiterdelegierte vor

1918. Ein Beitrag zur Geschichte des Lokalismus, des Syndikalismus und der entstehenden Rätebewegung, Berlin 1985; und Hans Manfred Bock, Syndikalismus und Linkskommunismus 1918 bis 1923. Zur Geschichte und Soziologie der FAUD(S), der AAUD und der KAPD, Meisenheim/Glan 1969.

۳- برای درک حروف اختصاری به شمای فوق مراجعه کنید

[4] Industrial Worker, 9. Januar 1913.

[5] L'Humanité, 1. September 1909.

[6] Melvyn Dubofsky, We Shall Be All (Anm. 2), S. 135.

[7] International Socialist Review, Oktober 1909, S. 3

**مارسل فان در لیندن- وینه تورپه**

Marcel van der Linden/ Wayne Thorpe

ترجمه: ناصر پیشرو

نوامبر ۲۰۰۸-آذر ۱۳۸۷

[naserpishro@gmail.com](mailto:naserpishro@gmail.com)